

## ارزیابی تاثیر پذیری حس تعلق شهروندی از حس مکان با تاکید بر مولفه‌ی معنای آن؛ مورد مطالعاتی: شوشتر نو در استان خوزستان

مهرانگیز پیریایی - گروه معماری، واحد دورود، دانشگاه آزاد اسلامی، دورود - ایران.

حمیدرضا نجفی نژاد - دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد دورود، دانشگاه آزاد اسلامی، دورود، ایران.

سید محمد غفاری خلف محمدی\* - دانشجوی دکترای معماری، گروه معماری، واحد دورود، دانشگاه آزاد اسلامی، دورود، ایران.

سارا خدادادی فر - دانشجوی دکترای معماری، گروه معماری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

### Evaluation of the recognition of citizen belonging to the sense of place with emphasis on its meaning; case study: new Shoshtar in Khuzestan province

#### Abstract

Sense of place means the perception of people from their environment and their less informed emotions of their environment, which makes the person in an internal connection with the environment so that an individual's understanding of the meaning of the surrounding environment is integrated and integrated. It is a factor that causes the transformation of a space into a particular sense of sense and behavior for specific individuals. In addition to having a sense of comfort from the environment, the sense of place has supported the cultural concepts of the people, social and cultural relations of the community in a given location and brings back past experience and the recognition of identity for individuals. Since space is an effective factor in distinguishing the environment from architecture, it is physically, an environment with a clear character, and can be more successful in creating a sense of place. Due to the importance of this sense in enhancing the quality of the designed space, this study examines the concept of location and effective factors in the city of Khuzestan province and the physical effects and cognitive factors of users affect the feeling of people in space. At first, it means the sense of place and its concept from different perspectives and finally presents the different levels and shape factors and finally presents a model for showing how these factors affect the effects of these factors. The proposed model can provide a framework for designers' knowledge of how the architectural space affects consumers' sense.

**Key words:** sense of citizenship, place sense, Khuzestan province.

#### چکیده

حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد. حس مکان علاوه بر این که موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود. از آنجا که فضا عاملی مؤثر در متمایز ساختن محیط از معماری است، به لحاظ کالبدی، محیطی با کاراکتر مشخص و می‌تواند در آفرینش حس مکان موفق‌تر باشد. با توجه به اهمیت این حس در ارتقاء کیفیت فضای طراحی شده این پژوهش به بررسی مفهوم حس مکان و عوامل مؤثر در شهر شوشتر نو در استان خوزستان بر آن پرداخته و تأثیر عوامل کالبدی و عوامل شناختی استفاده‌کنندگان بر احساس افراد نسبت به فضا را بررسی می‌کند. این مقاله در ابتدا به معنای حس مکان و مفهوم آن از دیدگاه‌های مختلف پرداخته و در نهایت سطوح مختلف و عوامل شکل‌دهنده آن را بیان می‌کند و در نهایت مدلی برای نشان دادن چگونگی تأثیرات این عوامل ارائه می‌کند. مدل پیشنهادی قابل فهم و کاربردی این مقاله می‌تواند چارچوبی برای آگاهی طراحان نسبت به چگونگی تأثیر فضای معماری بر حس استفاده‌کنندگان فراهم آورد.

**واژگان کلیدی:** حس تعلق شهروندی، حس مکان، شوشتر نو، استان خوزستان.

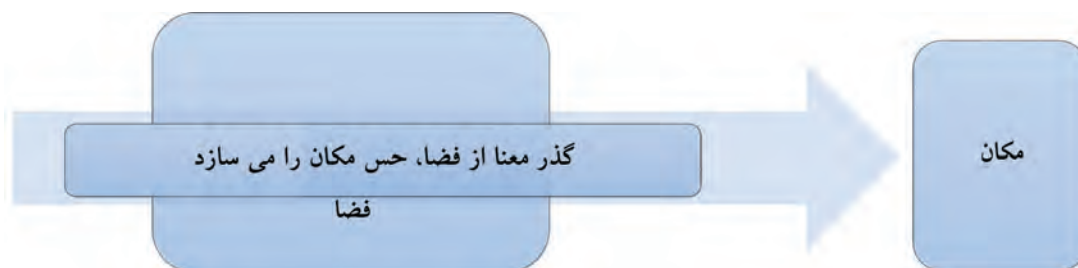
## مقدمه

«محیط مصنوع» شبکه‌ای پیچیده از روابط متنوعی است که نه تنها بین افراد با همدیگر بلکه بین افراد و محیط نیز رخ می‌دهد. زمانی که ارتباط انسان و محیط مبتنی بر تجربه‌ای برای انسان باشد، محیط به مکان تبدیل می‌شود. این ارتباط بدین معنی است که مکان یعنی یک بخش از تجربه محیطی، همراه با همگرایی شناخت تأثیرات و رفتارهای افرادی که با آنها زندگی می‌کنند (Pretty, 2011:275). در پدیدارشناختی مکان، «تجربه» اصلی‌ترین رکن در ادراک است. مفهوم حس مکان [در تقابل با مفهوم فضای انتزاعی]، به عنوان یکی از مهمترین ابعاد رابطه انسان و مکان، به بیان رابطه پایداری و عملکردی انسان و مکان پیرامونش می‌پردازد (shamai, 1991: 347-358). بر این منوال، مکان زمانی معنا پیدا می‌کند که درکی حسی در حوزه عناصر کالبدی، ارتباطات و نیز زمان، از آن صورت گرفته و تصویری ذهنی از خود بجای گذاشته باشد. با تکیه بر این رویکرد، انسان و مکان دارای شاخصه‌های همانندی، همچون خاطره و هویت هستند (حیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۹). «تعلق مکانی» به رابطه شناختی با یک محیط یا یک فضای خاص اطلاق می‌شود و در واقع «تعلق خاطر» به مکان، رابطه نمادین ایجاد شده توسط افراد با مکان است که معانی احساسی، عاطفی و فرهنگ مشترکی به یک فضای خاص می‌دهد (Altman @ Low, 1992: 1-12). در بسیاری از ادبیات مرتبط با مکان، مفهوم مکان اغلب بر حس تعلق یا وابستگی احساسی به یک مکان تاکید دارد (Knox @ Pinch, 2000). با توجه به اهمیت حس مکان در ارتقاء کیفیت فضای طراحی شده، این پژوهش به بررسی مفهوم حس مکان و عوامل مؤثر بر آن پرداخته و تأثیر عوامل کالبدی و عوامل شناختی استفاده‌کنندگان بر احساس افراد نسبت به فضا را بررسی می‌کند. کلیه محیط‌های شهری دارای معنا، نماد و ارزش‌اند، و به مثابه اسناد قابل پژوهش

تاریخی هستند که با مطالعه، بررسی و شناخت علمی آنها می‌توان به مقولاتی از هویت و سیرت واقعیشان، تبیین ارزش‌های ماهوی و نیز برخی حقایق تاریخی و فرهنگی دیگر دست‌یافت و از آنها کسب معرفت نمود. اما نکته مهمی که تذکر آن ضرورت دارد این است که شهر دارای سازمانی متعادل متشکل از ساختارهای هم‌پیوند اجتماعی - مکانی و نمادین است (فلامکی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۹). ضرورت تحقیق عبارتند از: ۱. نقش خاطره و مکانهای خاطره انگیز در ایجاد و تحکیم روابط اجتماعی شهروندان و تعاملات چهره به چهره، ۲. لزوم حفظ مکانهای خاطره انگیز به منظور حفظ هویت شهر و تشخیص بخشیدن به آن، ۳. نقش با اهمیت مکانهای خاطره انگیز در ایجاد پیوند میان نسلهای گوناگون و نیز پیوند با گذشته شهر، ۴. نقش با اهمیت مکانهای خاطره انگیز در ایجاد حس تعلق به شهر و در نتیجه احساس رضایتمندی از زندگی در شهر، ۵. نقش با اهمیت خاطرات جمعی شهروندان در بازشناسی و ارتقای هویت فردی آنها.

این مقاله در ابتدا به معنای حس مکان و مفهوم آن از دیدگاه‌های مختلف پرداخته و در نهایت سطوح مختلف و عوامل شکل‌دهنده آن را بیان می‌کند و در نهایت مدلی برای نشان دادن چگونگی تأثیرات این عوامل ارائه می‌کند. مدل پیشنهادی قابل فهم و کاربردی این مقاله می‌تواند چارچوبی برای آگاهی طراحان نسبت به چگونگی تأثیر فضای معماری بر حس استفاده‌کنندگان فراهم آورد. شهرک شوشتر نو در همجواری شهر شوشتر، از جمله شهرهای جدید الاحداث است که با هدف بهبود وضعیت اقتصادی و گسترش شهر شوشتر برنامه ریزی ساخت و طراحی آن صورت پذیرفت.

سؤالات و فرضیات تحقیق عبارتند از: سؤال اصلی در پژوهش حاضر اینست که چه مشخصه‌هایی از مکانها در شکل‌گیری حفظ و تداوم حس مکان و خاطره جمعی مؤثرند؟ بر این اساس و با توجه به مبانی نظری فرضیات



تحقیق را میتوان اینگونه عنوان کرد: در حفظ و ایجاد خاطره جمعی در فضاهای شهری، تأکید بر عناصر کالبدی به تنهایی نمیتواند منجر به حفظ خاطرات جمعی شود. در کنار آن فعالیتها و عملکردهای متنوع با مقیاسهای گوناگون در فضا در مقایسه با فرم در اولویت قرار میگیرند. حفظ ساختار کالبدی - فضایی مکان به عنوان ظرف شکل گیری خاطره، نقش مهم در حفظ و تداوم خاطره جمعی دارد.

### پیشینه تحقیق

در رابطه با حس مکان و حس تعلق خاطر به آن پژوهشهای متعددی صورت گرفته که در اینجا به بخشی از آنها اشاره می شود:

۱. حیدری (۱۳۹۳) در مقاله ای با مقایسه عناصر کالبدی خانه های سنتی و مجموعه های مسکونی جدید، نشان می دهد که حس تعلق کالبدی مکان در خانه های سنتی در مقایسه با مجتمع های جدید بیشتر است (حیدری و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۵-۲۲).
۲. فلاحت (۱۳۸۵) در مقاله ای به بررسی مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن پرداخته و تاثیر عوامل کالبدی و شناختی استفاده کنندگان بر احساس افراد نسبت به فضا را بررسی می کند (فلاحت، ۱۳۸۵، صص ۵۷-۶۶).
۳. در دهه های هفتاد و هشتاد میلادی مطالعات و پژوهشهایی در مورد مفهوم مکان بر پایه رابطه مردم با محیط صورت گرفت که بر اساس آن رفتارشناسان محیطی صرفاً راهبردهای اثبات گرایانه را به کار نمی بندند بلکه هم به ذهنیات و هم به عینیات توجه کرده، ضمن آنکه در مطالعات خود به دنبال جنبه های احساسی و نیز ادراکی مابین انسان و مکان هستند (Moudon, 2003:373).
۴. پژوهشگرانی همچون راپاپورت (۱۹۷۷)، مور (۱۹۸۵) و آکمن (۱۹۸۶) پژوهشی میدانی در رابطه با مطالعات رفتاری-محیطی انجام دادند. کانون این تحقیق ذهنی و عینی بود و نشان می دهد که مردم چگونه محیط ساخته شده را مشاهده و استفاده می کنند و این دو چگونه بر هم تاثیر می گذارند.
۵. از سوی دیگر رلف (۱۹۷۶)، نوربرگ شولتز (۱۹۸۳) و وایت (۱۹۸۸) مطالعاتی پیرامون مفهوم مکان با رویکرد میدانی و پژوهشی صورت داده

و نشان دادند که مردم چگونه محیط اطراف را مشاهده، احساس و استفاده می کنند.

۶. همینطور در مطالعاتی پیرامون اکولوژی- طبیعت توسط مکهارگ (۱۹۷۱) و هوگ (۱۹۸۴) صورت گرفت که بر اساس آن با رویکردی ذهنی- عینی به فرایندهای طبیعی و محیطی ساخته شده پرداخته شده است.

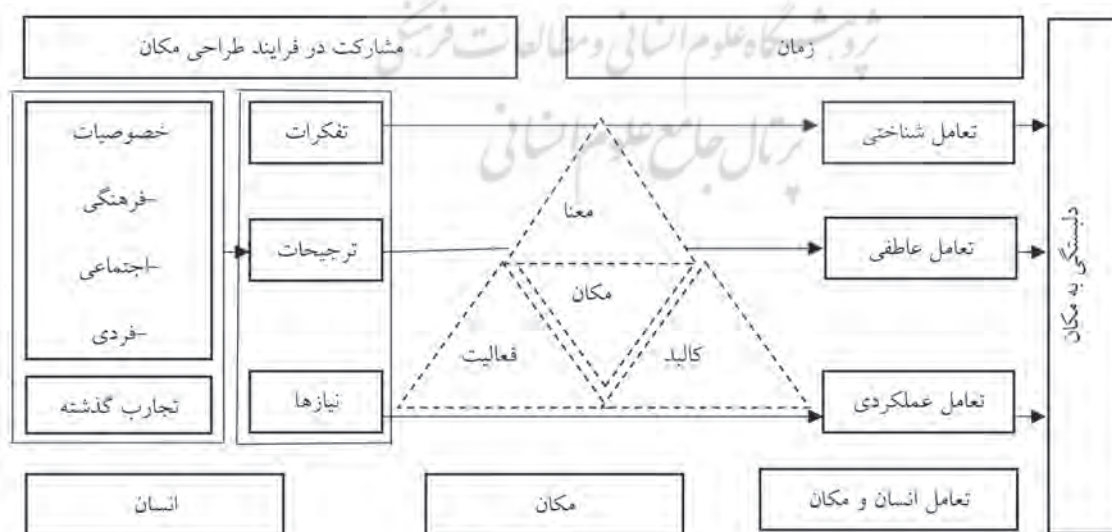
۷. کنزن (۱۹۶۰)، ولف (۱۹۶۵) و مودون (۱۹۸۶) مطالعاتی پیرامون گونه شناسی و ریخت شناسی شهر صورت دادند که کانون تحقیق صرفاً به صورت عینی بوده و با رویکردی پژوهشی به بررسی شکل و کالبد فضایی و هندسه شهر پرداختند (Cuthbert, 2006:252-255).

### ادبیات نظری

فقدان مکانی که انسان را در ارتباط با لایه های دیگر وجود خویش قرار می دهد و این لایه ها به شناخت انسان از محیط پیرامون و خویشتن خود کمک می کنند. شناخت از محیط و خویشتن باعث ایجاد معانی و تصاویر گوناگون از مکان های متفاوت در ذهن انسان می شود که معانی و تصاویر ذهنی مذکور به مکان؛ ارزش، دل بستگی، حس و هویت می دهد. ایجاد پیوندهای عاطفی با مکان پیش از نیازهای تعادل روانی است که لازمه غلبه بر بحران های هویتی است (Lewicka, 2008, 211). «شناخت» یک مکان، پدیده ای اجتماعی است (Lang, 1994: 291)؛ همچنین از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان. هویت یک مکان، آمیزه ای است خاص، از روابط اجتماعی که دارای دو وجه اصلی در ادراک «ماهوی و مادی» است. لذا قلمرو با یک مکان، هویت روان شناختی می یابد و با احساس مالکیت و ترکیب کالبدی به صورت نماد در می آید [و واجد مطلوبیت دانسته می شود] (Pastalan, 1970: pp.88-101). از سویی دیگر، حس مکان که برآیند ارتباط انسان و مکان و ادراک روحی و روانی فرد از محیط است؛ باعث شخصیت و هویت دادن به مکان همراه با یک کنش متقابل و دو طرفه جهت تامین حس تداوم است، که حاصل از دریافت عمومی جامعه بوده و می تواند ضامن ایجاد تعلق خاطر در افراد، در نهایت به ثبات و ماندگاری شهر در ذهن شهروند منجر شود (Hague, 2005:6). با توسعه جوامع انسانی و تغییر شیوه زندگی و سکونت مردم، توجه معماران، طراحان و برنامه ریزان به کیفیت فضاها

(فلاح، ۱۳۸۵، ص ۵۸). پدیدارشناختی جغرافیا سنجیده و ارزشیابی شود. معنای اصلی مکان فراتر از عملکردهایی است که مکان تأمین می کند، بالاتر از اجتماعی است که آن را اشغال می کند و ورای تجارب مصنوعی و دنیوی مکان است. اگرچه همه این موارد جنبه های لازم مکان هستند، اما ماهیت مکان در تجربه، یعنی از جهت التفات ناخودآگاهانه به مکان است که مکان را به مثابه مرکزی پرمحتوا و عمیق از هستی و وجود بشر، و این کیفیت خاص درون یک مکان تعریف می کند (Seamon, 1996). به عقیده او مکان از ترکیب اشیا طبیعی و انسان ساخت، فعالیت ها، عملکردها و معانی به وجود می آید و تجربه آن می تواند از یک اتاق تا یک قاره را در برگیرد. «فضای شهری» بستری است که حیات مدنی در آن جریان می یابد، و رویدادها و حوادث در آن رخ می دهند (Tschu-mi, 1994: 153). رویدادها و حوادثی که حیات مدنی را به حیات واقعه ای تبدیل کرده (حبیبی، ۱۳۷۸، ص ۱۶) و سبب می شوند تا خاطره شکل بگیرد و ذهن محل انباشت خاطره ها شود. از آنجا که فضا عاملی مؤثر در متمایز ساختن محیط از معماری است، به لحاظ کالبدی، محیطی با کاراکتر مشخص و متمایز می تواند در آفرینش حس مکان موفق تر باشد. لذا، دریافتن ارزش خاطره ای مشترک از طریق یادمان های گذشته و شناسایی عناصر گذشته و رشته خاطره ای آنها؛ میان سیمای کالبدی مکان های شهر و تبلور ساختارهای ذهنی ساکنان آن، رابطه ای مستقیم و قوی برقرار می کند (Stringer, ۱۹۷۵: ۲۱۶).

و محیط های ساخته شده افزایش یافته و نقش طراحی به عنوان ابزاری برای شکل دادن به محیط زندگی و پاسنگویی به توقعات و نیازهای انسان اهمیت بیشتری یافته است و پژوهش های زیادی درباره چگونگی تأثیر متقابل محیط یا فضای ساخته شده بر ذهنیات و رفتارهای انسان، انجام شده است. پژوهش های انجام شده نشان می دهد که محیط علاوه بر عناصر کالبدی شامل پیام ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش ها، توقعات، انگیزه ها و دیگر عوامل آن را رمزگشایی و درک و در مورد آن به قضاوت می پردازند. حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می آید «حس مکان» نامیده می شود که عاملی مهم در هماهنگی فرد و محیط، باعث بهره برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده کنندگان و در نهایت احساس تعلق آنها با محیط و تداوم حضور در آن می شود. حس مکان نه فقط باعث هماهنگی و کارکرد مناسب فضای معماری و انسان است بلکه عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی افراد نیز می باشد و به هویت مندی افراد و احساس تعلق آنها به مکان کمک می کند. حس مکان مفهوم مشخصی نیست که بتوان تعریف دقیقی برای آن ارائه داد، بلکه باید با آزمون روابط میان مکان و پایه های آن همراه باشد (Relf, 1976). از دیدگاه پدیدارشناختی، مهم ترین مفاهیم مرتبط در بیان حس مکان، تجربه مکان در بستر محیط ادراکی و شخصیت آن است. بنابراین حس مکان به معنای ویژگی های غیر مادی یا شخصیت مکان است که معنای نزدیک به روح مکان دارد



نمودار ۲. فرایند دل بستگی به مکان؛ ماخذ: دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۴۵۷۷۷

## مکان<sup>۵</sup>

در فرهنگ لغت دهخدا، واژه‌ی مکان جایگاه و جای بودن و در فرهنگ لغت معین، این واژه محل استقرار تعریف گشته است. طبق تعریف فرهنگ لغت جغرافیای آکسفورد، واژه‌ی مکان به نقطه‌ای خاص در سطح زمین اشاره دارد که محلی قابل شناسایی برای موقعیتی است که ارزش‌های انسانی در آن، بستر شکل‌گیری و رشد یافته است (پورمند و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۸۲). علاوه بر تعاریف فیزیکی، مکان دارای بار معنایی و محتوایی است. چنانچه بهرام سرمست و محمدمهدی متوسلی (۱۳۸۹، ص ۱۳۵) مکان را عنصر اصلی هویت ساکنان آن می‌دانند. انسان با شناخت مکان می‌تواند به شناخت خود نائل شود (حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۳۹). علی مدنی‌پور (۱۳۷۹، ص ۳۲) مکان را بخشی از فضا و دارای بار ارزشی - معنایی می‌داند. وی همچنان معتقد است: مکان جایگاهی است فیزیکی با تمامی کیفیت‌های اجتماعی و مکانی‌اش که علیرغم پذیرا بودن تحول پیوسته، از کلیت مادی‌اش دفاع می‌کند و ارتباطات متقابلش را در لحظه‌ای از زمان بازگو می‌کند. زمانی که فضا در متن اجتماعی و در فرآیند تولیدش در نظر گرفته شد، می‌تواند هویت‌های چندگانه داشته باشد و بدین سبب در شرایطی خاص استوار گردد (همان، ص ۲۰).

## معماری مکان

شولتز در نوشته‌هایش با رویکرد پدیدارشناسی، معماری را هنر مکان توصیف می‌نماید (مدیری، ۱۳۸۷، ص ۷۲). وی خاصیت معماری را تبدیل‌جایی به مکان می‌داند و این به فعل درآوردن محتوا بالقوه‌ی محیط است. از دیدگاه پدیدارشناسانه، مکان چیزی بیش از یک محل انتزاعی است؛ مکان، کلیتی است که از اشیاء و چیزهای واقعی ساخته شده و دارای مصالح، ماده، شکل، بافت و رنگ است. مجموعه‌ی این عناصر با هم کاراکتر محیطی مکان را تعریف می‌کنند (سرمست و متوسلی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵). مکان زمینه‌ای برای فعالیت‌هاست و عموماً دارای هویت شناختی بوده و در برگزیده‌ی عوامل اجتماعی متنوع و دارای تاریخی است که گذشته، حال و آینده را به هم پیوند می‌دهند (پرتوی، ۱۳۸۲، ص ۴۲).

## حس مکان از دیدگاه روان‌شناسی محیطی

«هویت و دل‌بستگی به مکان» به‌عنوان یکی از راه‌های ارتباط بین انسان و مکان از طریق فرهنگ، سابقه تاریخی، خاطرات

جمعی، نوع و ماهیت فناوری ساخت، عملکردها، نشانه‌ها، فرم‌ها و نمادهای شهری و ویژگی‌های بصری و کالبدی ادراک می‌گردد (امین زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۴). عوامل مختلف کالبدی، معنایی، کارکردی در نقش شهر به‌عنوان بستری برای پاسخگویی به نیازها و ظرفی برای فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنین مؤثرند که از بین آن‌ها شاخص‌های بصری نقش مهمی در کیفیت فضاهای شهری ایفا می‌کنند. عناصر بصری بستری را به وجود می‌آورد که بر روی رفتار شهروندان تأثیر می‌گذارد و زمینه بروز رفتارهای اجتماعی خاصی را پدید می‌آورد (Appleyard, 1979, 146)؛ و درنهایت سبب بروز تعاملات، تعامل با محیط و تعامل با سایرین می‌گردد. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که محیط علاوه بر عناصر کالبدی، شامل «پیام‌ها، معانی ۲ و رمزهایی» ۳ است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل آن را رمزگشایی و درک می‌کنند و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. این تعاملات نتایج قابل‌تأملی را در پی دارد که از آن جمله می‌توان به ایجاد خاطره، خلق معنی و دل‌بستگی به مکان اشاره نمود. در این میان نشانه‌های شهری، نقش مهمی در خلق معانی نزد شهروندان دارند. این عناصر می‌توانند به نمادی از توسعه شهری، پیشرفت، هویت (در مقیاس محلی و ملی) و یا نشان‌های برای معرفی تمامیت شهر تلقی شوند. این نمادها رابطه میان شکل و محتوا، دال و مدلول، معناکننده و معناشونده هستند و تغییر در آن‌ها ممکن و جایز نیست (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶). این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید «حس مکان» ۴ نامیده می‌شود که به‌عنوان عاملی مهم در هماهنگی فرد و محیط باعث بهره‌برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و درنهایت احساس تعلق آنها به محیط و تداوم حضور در آن می‌شود. حس مکان، به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد به طوری که فهم و احساسات فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌شود. حس مکان علاوه بر اینکه باعث احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی موردنظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دست‌یابی به هویت برای افراد می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵، صص ۵۷-۶۶).

فرآیند	نوع پیوند	رابطه با مکان
متولد شدن و زندگی کردن در یک مکان، مکان را به مشخصه‌ای از تاریخچه شخصی فرد تبدیل می‌کند، با مرور زمان گسترش می‌یابد.	تاریخی و خانوادگی	بیوگرافی
حس تعلق، به جای این که ایجاد شود، به سادگی احساس می‌شود توصیف آن دشوار و اغلب غیر منتظره است.	هیجانی، ناملموس	روحي، روانی
زندگی بر اساس رهنمودهای اخلاقی که می‌تواند مذهبی و غیر مذهبی باشد در مورد مسئولیت انسان نسبت به مکان	اخلاقی و وجدانی	ایدئولوژیکی
کسب اطلاعات در مورد یک مکان از طریق داستان‌ها، شامل اسطوره‌ها، شجره نامه‌های خانوادگی، شرح وقایع سیاسی و افسانه‌ای	افسانه‌ای	روایی
انتخاب یک مکان بر مبنای لیستی از ویژگی‌های مطلوب ترجیحات در مورد سبک زندگی، مقایسه مکان‌های واقعی با مکان ایده آل	شناختی (براساس انتخاب و مطلوبیت)	انطباقی
محدود شدن به واسطه وجود انتخاب و وابستگی به شخص دیگر یا فرصت اقتصادی	مادی	وابسته

جدول ۱. پیوند بین انسان و مکان در زمینه‌های متفاوت ارتباط با مکان. مأخذ: Cross, ۲۰۱۱:۳

اصطلاح «حس مکان» از ترکیب دو واژه «حس و مکان» تشکیل شده است. واژه «حس» در فرهنگ لغات آکسفورد سه معنای اصلی دارد: «نخست یکی از حواس پنج گانه؛ دوم احساس، عاطفه و محبت که در روان‌شناسی به درک تصویر ذهنی گفته می‌شود یعنی قضاوتی که بعد از ادراک معنای شیء نسبت به خود شیء در فرد به وجود می‌آید که می‌تواند خوب، جذاب یا بد باشد؛ سوم، توانایی در قضاوت درباره یک چیز انتزاعی مثل معنای حس در اصطلاح حس جهت‌یابی که به مفهوم توانایی یک فرد در پیدا کردن مسیر یا توانایی مسیر در نشان دادن خود به انسان است و در نهایت حس به معنای شناخت تام یا کلی یک شیء توسط انسان می‌باشد». اما واژه حس در این اصطلاح بیشتر به مفهوم عاطفه، محبت، قضاوت و تجربه کلی مکان یا توانایی فضا در ایجاد حس خاص یا تعلق در افراد است. ازدیدگاه روان‌شناسی محیطی انسانها به تجربه حسی، عاطفی و معنوی خاص نسبت به محیط زندگی نیاز دارند. این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی همذات‌پنداری با مکانی که در آن سکونت دارد قابل تحقق است. این تعامل صمیمی و همذات‌پنداری، «روح یا حس مکان» نامیده می‌شود. از نظر شولتز حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یک پارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه

سطوح گوناگون حس مکان	
شامای (۱۹۹۱)	گاسو (۱۹۷۶)
<ul style="list-style-type: none"> <li>■ بی تفاوتی نسبت به مکان</li> <li>■ آمیختگی از فرارگری در یک مکان</li> <li>■ تعلق به مکان</li> <li>■ دل بستگی به مکان</li> <li>■ یکی شدن با هدف مکان</li> <li>■ حضور در مکان</li> <li>■ غداگری ببری مکان</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ آشنایی سطحی</li> <li>■ مکان محمولی</li> <li>■ تعلق به مکان</li> <li>■ آشنایی بسیار عمیق به مکان</li> </ul>
کراس (۲۰۰۱)	هیومن (۱۹۹۲)
<ul style="list-style-type: none"> <li>■ بی مکانی مطلق</li> <li>■ بی مکانی نسبی</li> <li>■ بیگانگی یا مکان</li> <li>■ ریشه‌داری نامشخص</li> <li>■ ریشه‌داری مشخص</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ بی مکانی بیگانگی یا مکان</li> <li>■ مکان نسبی</li> <li>■ ریشه‌داری ناخودآگاه</li> <li>■ ریشه‌داری عقیدتی</li> </ul>

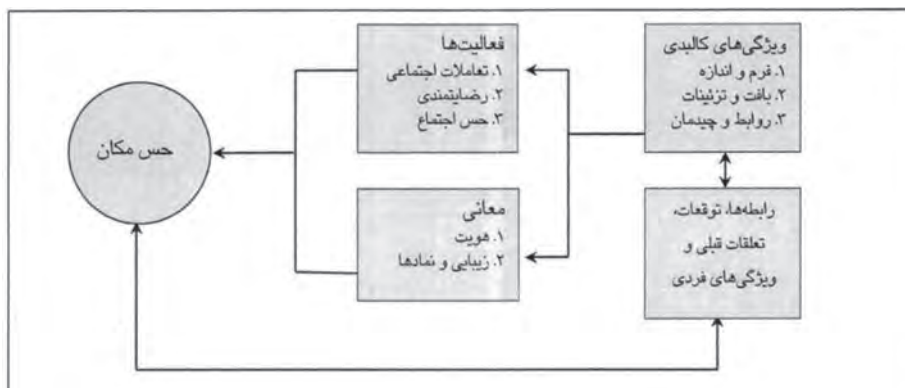
نمودار ۳. سطوح مختلف حس مکان؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.

عناصر خاطره‌ساز در مکان	مولفه‌های شکل دهنده	معیار سنجش
کالبد مکان	بستر طبیعی	نشانه‌های طبیعی، عناصر طبیعی موثر در شکل بافت، دیدهای ویژه، شرایط اقلیمی
	بستر انسان‌ساخت	منظر شهری، بافت، عناصر نشانه‌ای، نقاط مکث و تاکید
فعالیت و رویداد در مکان	فعالیت فرهنگی، سیاسی، مذهبی، اجتماعی، تفریحی و روزمره زندگی	اعیاد و جشن‌ها، مراسم مذهبی و ویژه، عامل حرکت، تعاملات چهره به چهره، گذران اوقات، تعاملات جمعی
معنای مکان	هویت و حس تعلق	هم‌خوانی تصویر ذهنی افراد با وضع موجود مکان، تداوم تاریخی ادراکات فضا در بستر زمان
	تداعی معانی	تاریخچه خاص آن مکان و نام مکان

می‌کنند، متحول می‌شوند، در هم درمی‌آمیزند و به ثبات می‌رسند. از نظر روانی حس مکان کاتالیزوری است که باعث تبدیل شدن یک محیط به یک مکان می‌شود، روند تجربه عمیق مکان نه به عنوان یک شیء بلکه به عنوان یک آرگانیزم زنده است که بعد از انطباق‌های متقابل پی در پی محقق می‌شود، از این رو روابط بین افراد و مکان‌ها نیازمند ثباتی خاص است. محیط این ویژگی‌ها را از طریق ترکیب نظم طبیعی و بشری کسب می‌کند. در رشته‌های علمی مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی اصطلاحات تعلق به مکان، تعلق به اجتماع، ساختار عاطفه و معنا و تجربه، مهم‌ترین مباحث مطرح شده درباره حس مکان هستند. تعلق مکانی به این معنا است که مردم خود را به واسطه مکانی که در آن به دنیا آمده و رشد کرده‌اند، تعریف می‌کنند. این ارتباط که به طور کلی حس مکان نامیده می‌شود مردم را به گونه‌ای عمیق و ماندگار تحت تأثیر قرار می‌دهد و خاطره مکان هویت و قدرت انسان را تقویت می‌نماید. در واقع احساس تعلق و دلبستگی به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد. این حس به گونه‌ای به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود که انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها، شخصیت و نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد. این نقش نزد او منحصر به فرد و متفاوت می‌باشد و در نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام می‌شود.

برای افرادی خاص می‌گردد. حس مکان علاوه بر اینکه موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دست‌یابی به هویت برای افراد می‌شود (Norberg-Schulz, 1975). لینچ در کتاب تئوری شکل شهر، معنای مکان را حاصل رابطه بین عناصر فضا با ساختارهای ذهنی مشاهده‌گر می‌داند. در این تعریف منظور از عناصر و اجزای فضا، عواملی است که محیط کالبدی به وسیله آنها تعریف می‌شود. الگوهای ذهنی در تعریف لینچ دربرگیرنده تمام مفاهیم و ارزشهایی است که شامل فرهنگ، منش، موقعیت، تجربه و ... استفاده‌کنندگان از فضا است. وی معنای مکان را معادل مفهوم هویت تعریف می‌کند و معتقد است که هویت یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکانی متمایز از سایر مکان‌ها شناخته و یا بازشناسی نماید، به طوری که شخصیتی مشخص، بی‌ظنیر و حداقل مخصوص به خود را دارا باشد (Lynch, 1984) (جدول ۲)

شکل‌گیری فضاهای همگانی در درجه نخست زاده فرهنگ اجتماعی است؛ زیرا هر ساختمانی بازتاب ذهنی ساکنان آن می‌باشد (جباری، ۱۳۷۹، ص ۴۰). هنرهای اسلامی با فواصل زمانی - مکانی فراوان دارای روحی واحد و وحدتی جدایی‌ناپذیر است که آن همانا روح پایداری در خلق بناهاست (مرصوصی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵). لذا فضاهای شهری تاریخی ایرانی، متفاوت با فرم‌هایی که امروزه بر این فضاها در کشور ما حاکم‌اند؛ در بستر تاریخ، در دل شهر ایرانی ظهور می‌یابند، رشد



نمودار ۴. رابطه حس مکان و عوامل موثر بر آن: فعالیتها، معانی، ویژگیهای کالبدی؛ ماخذ: فلاحت، ۱۳۸۵: ۳۳.

### سطوح حس مکان

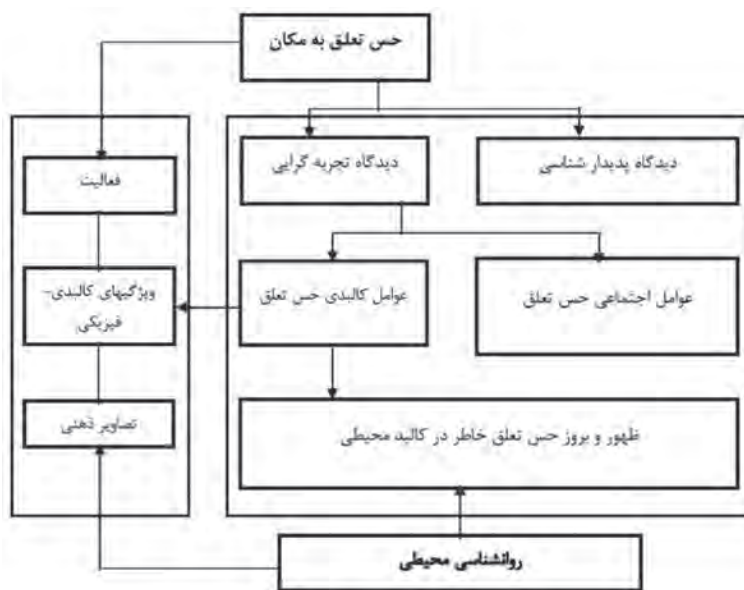
همان گونه که بررسی‌ها نشان داد حس مکان سطوح مختلف دارد، «هیومن» پنج گونه حس مکان را معرفی کرده است که عبارت از ریشه‌داری عقیدتی، ریشه‌داری ناخودآگاه، مکان نسبی، بیگانگی با مکان و بی‌مکانی است (Hummon, 1992). «جنیفر کراس» نیز به تبعیت از هیومن حس مکان را ترکیبی از رابطه با مکان و حس حضور در اجتماع تعریف می‌کند. او رابطه با مکان را به صورت زندگی نامه‌ای معنوی، عقیدتی، روایتی، مادی و وابستگی دسته‌بندی می‌کند که با عواملی مانند هویت، درونیت و رضایتمندی پنج سطح مختلف از حس مکان یعنی ریشه‌داری منسجم، ریشه‌داری نامنسجم، بیگانگی با مکان، بی‌مکانی نسبی و بی‌مکانی مطلق ایجاد می‌کند؛ و برای حس مکان سه مرحله اصلی تعلق مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به مکان را با هفت سطح تعیین می‌کند (Cross, 2001). این سطوح از حس مکان، کاربرد فرایند حس مکان را نشان می‌دهند که از بی‌تفاوتی تا حس فداکاری نسبت به مکان را به ترتیب زیر شامل می‌شود (Shamai, 1991):

۱. بی‌تفاوتی نسبت به مکان: این سطح معمولاً در ادبیات حس مکان مورد توجه واقع نمی‌شود ولی می‌تواند در سنجش حس مکان مورد استفاده قرار گیرد.
۲. آگاهی از قرارگیری در یک مکان: این سطح هنگامی است که فرد می‌داند که در یک مکان متمایز زندگی می‌کند و نمادهای آن مکان را تشخیص می‌دهد ولی هیچ احساسی که او را به مکان متصل کند، وجود ندارد. در این حالت فرد ممکن است بداند که در یک مکان مستقر است ولی نمی‌داند که بخشی از آن مکان است. در این سطح آگاهی از مکان فراتر از یک آدرس یا موقعیت نیست.
۳. تعلق به مکان: در این سطح فرد نه تنها از نام و نمادهای

مکان آگاه است، بلکه با مکان احساس بودن و تقدیر مشترک داشتن نیز دارد، در این حالت نمادهای مکان محترم و آن چه برای مکان رخ می‌دهد، برای فرد نیز مهم است.

۴. دلبستگی به مکان: در این سطح فرد ارتباط عاطفی پیچیده با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می‌دهد، در این حالت بر منحصر به فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکانها تأکید می‌شود.
۵. یکی شدن با اهداف مکان: این سطح نشان دهنده درآمیختگی و پیوستگی فرد با نیازهای مکان است. در این حالت فرد اهداف مکان را تشخیص داده، با آنها منطبق شده و از آنها پیروی می‌کند؛ در فرد شور، عشق، حمایت و از خود گذشتگی نسبت به مکان وجود دارد.
۶. حضور در مکان: این سطح به نقش فعال فرد در اجتماع که علت آن تعهد به مکان است، توجه دارد. در مقابل تمامی سطوح قبل که مبنای نظری داشتند، این سطح و سطح بعدی از رفتارهای واقعی افراد برداشت می‌شود. فرد معمولاً این سطح را به‌طور ضمنی با سرمایه‌گذاری منابع انسانی مثل زمان، پول و غیره نشان می‌دهد.
۷. فداکاری برای مکان: این سطح بالاترین سطح حس مکان است و فرد عمیق‌ترین تعهد را نسبت به مکان دارد و فداکاری‌های زیادی در جهت گرایش، ارزش‌ها، آزادی‌ها و رفاه در موقعیت‌های مختلف از خود نشان می‌دهد. در این سطح آمادگی برای رها کردن علایق فردی و جمعی به خاطر علایق بزرگتر نسبت به مکان وجود دارد.





نمودار ۵. رابطه روان‌شناسی محیطی با حس مکان و حس تعلق خاطر به مکان، ماخذ: نگارندگان.

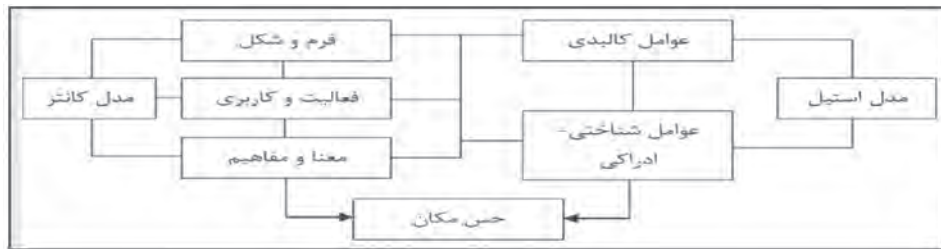


نمودار ۶. مدل مفهومی حس مکان؛ ماخذ: دانش پایه و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۲۱.

## عوامل شکل دهنده حس مکان

## عوامل ادراکی و شناختی

با توجه به مفهوم حس مکان در دیدگاه‌های مختلف و سطوح مختلف حس مکان، عوامل شکل دهنده حس مکان را می‌توان در دو گروه عوامل شناختی و کالبدی به صورت زیر بیان کرد.



نمودار ۸. انطباق مدل‌های استیل و کانتز در ارتباط با عوامل موثر در حس مکان، ماخذ: حیدری و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۷.

دیدگاه	صاحب نظران	تعاریف	معیارهای مطرح شده مربوط به سنجش حس مکان
جامعه‌شناسی	دیوید هامون	حس مکان عبارتند از ادراکات ذهنی افراد درباره محیطشان و احساسات کم و بیش خود آگاه آنها در مورد آن	ساختارهای معنایی - هویت مکان
	جینفر کراس	حس مکان، ترکیبی از رابطه با مکان و حس حضور در اجتماع	ساختارهای معنایی - هویت مکان
روانشناسی محیط	پروشانسکی	مکان به عنوان پایه ای برای شکل گیری و توسعه ادراک، شناخت و نهایتاً احساسات مفهوم هویت شخصی، هویت فردی را منبعث از هویت مکانی میدانند	نسبت به مکان - همچنین تاکید بر عوامل کالبدی و اجتماعی (تعامل و ارتباط تنگاتنگ فرد با محیط خود)
	آلتمن رایاپورت	حس مکان فراتر از تجربه شناختی است و عقاید فرهنگی مرتبط کننده افراد با محیط را شامل میشود. حس مکان بصورت نمادها و استیل های فرهنگی - اجتماعی کالبدی در محیط بروز میکند	مقیاس، اختصاصی بودن، قابل دسترس بودن تاکید بر نقش مولفه های فرهنگی و اجتماعی در شکل گیری محیط کالبدی
اثبات گرایی	شاموئل شامای	حس مکان مخلوطی از احساسات خود آگاه و ناخود آگاه و دریافت ها (ادراک) است و به یک مکان معنا می دهد	ساختارهای معنایی و چگونگی دریافت، تجربه و بیان افراد
	فریتز استیل	حس مکان شامل احساسات، ادراکات، رفتارها، نتایج و برآمدهایی است که در ارتباط با چیزی است که در آن موقعیت قرار داشته و با آن یکی شده است	عوامل کالبدی - شخصیت مکان - چگونگی تجربه مکان
	ادموند بیکن	فرم های معماری در محیط ایجاد غنا و تنوع می کنند و در ایجاد روح مکان و حس مکان موثرند	عوامل کالبدی - شخصیت مکان
پدیدارشناسی	کرمونا	عکس العمل سیستم حسی بدن نسبت به محرک های محیطی، حس از محیط را تشکیل میدهد	آسایش و تصویر ذهنی؛ دسترسی و پیوستگی؛ استفاده ها و فعالیت ها؛ معاشرت پذیری
	رلف	ادراک و قضاوتی که بر مبنای رمزگشایی از معانی در ذهن فرد شکل می گیرد، منجر به خلق حس مکان می گردد	ساختار کالبدی، فعالیت، معنا
	شولتز	مشخص و متمایز هستند حس مکان در مکان هایی یافت می شود که دارای شخصیت	سابقه سکونت و ساختار، معنایابی (تصور محیطی، ادراک و جهت)
	توان	مکان دوستی، پیوندی بر محیط و تاثیر گذار میان مردم و مکان	شخصیت مکان و حضور فرد

جدول ۴. معیارهای سنجش حس مکان؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

مکان توسط فرد رمزگشایی می‌شود از عوامل ایجاد حس مکان هستند. در این صورت حس مکان تنها به معنای یک حس یا عاطفه یا هرگونه رابطه با مکانی خاص نیست، بلکه نظام و ساختاری شناختی است که فرد با آن به موضوعات، اشخاص، اشیا و مفاهیم یک مکان احساس تعلق پیدا می‌کند. از این رو افراد بدون حس مکان قادر به زندگی در محیطی خاص نیستند؛ چرا که حس مکان توانمندی فضا یا مکان در ایجاد حسی خاص نسبت به کلیت مکان است و با این حس، مکان رابطه فرد با تمامی مفاهیم، اشخاص و سایر موضوعات موجود در آن مکان را تأمین می‌کند. به این ترتیب مکان‌ها در افراد مختلف حس‌های متفاوتی ایجاد می‌کنند و نقش شخصیت و تجارب گذشته انسانها در دریافت این حس مؤثر است. فضایی که در فرد حس مکان و تعلق ایجاد می‌کند. دیگر برای او فضا نیست و تبدیل به یک مکان می‌شود. در این صورت مکان کلیتی می‌شود که مردم تمام فعالیت‌ها و اتفاقات را با آن می‌شناسند، مثلاً مردم وقتی که به مسجدی وارد می‌شوند با مکان مسجد مواجه می‌شوند نه با اشکال مجرد، مردم، نماز و فضا و همین توانمندی مکان است که در ورای اجزا و فعالیتها موجب احساس تعلق به مکان مسجد می‌شود.

## عوامل کالبدی

از نظر «فریتز استیل» مهم ترین عوامل کالبدی مؤثر در

ادراک و حس مکان، اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است او همچنین خصوصیات نظیر هویت، تاریخ، تخیل و توهم، راز و رمز، لذت، شگفتی، امنیت، سرزندگی، شور و خاطره را موجب برقراری رابطه متمرکز با مکان می‌داند. از نظر «سالواسن» حس مکان از تعامل سه عنصر موقعیت، منظر و درهم تنیدگی فردی به وجود می‌آید که هر کدام از آنها به تنهایی برای خلق حس مکان کافی نیست. عوامل مختلفی چون بی‌حوصلگی، یکنواختی ساختمان‌ها و ظهور عصر دیجیتالی تهدیدی برای از نظر او حس مکان به حساب می‌آیند شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، ساکنین و وسایل رفاهی، طبیعت مانند آب، گیاهان، آسمان، خورشید و فضاها خصوصی و جمعی؛ اجزای تشکیل دهنده مکان هستند که در خلق حس مکان مؤثرند (Salvesen, 2002). بنابراین بررسی‌ها نشان می‌دهد ویژگی‌های کالبدی محیط با ایجاد معانی و تأمین فعالیت‌های خاص، در ایجاد حس مکان مؤثر است. تأمین فعالیت‌ها از فضا با رضایتمندی از ویژگی‌های متغیر محیط مانند دما، صدا و امکان انجام فعالیت‌های فردی و تعاملات اجتماعی توسط عناصر ایستای محیط مانند ابعاد، تناسبات و فرم‌ها به وجود می‌آید. شناخت و عاطفه نسبت به فضا با درک معانی، نمادها، زیبایی شناختی فرمی و معنایی فضا و هویت مندی با آن حاصل می‌شود.

جدول ۵. برخی انگاره‌های کالبدی مکان (فضایی، ریخت شناسانه، زمینه‌ای، بصری، هنری و منظر شهری)

پنداره	معیار طراحی شهری	سال	انگاره پرداز	
شبکه خیابان‌ها، میدان‌ها، ساختمان‌ها، بناهای یادبود	ریخت شناسانه	۱۸۸۹	کامیلو زیته	۱ برنامه‌ریزی شهر هماهنگ با بن‌مایه‌های هنری
نمای خیابان و نحوه آمیختگی و نشانه بصری آن	بصری	۱۹۰۹	ریموند آنوین	۲ برنامه‌ریزی شهری در عمل
زمینه‌گرایی در برنامه‌ریزی روستایی	زمینه‌ای	۱۹۴۶	توماس شارپ	۳ آناتومی روستا
فرآیند دستیابی به کیفیت حسی از بعد فضایی	فضایی	۱۹۷۶	کوین لینچ	۴ مدیریت حس منطقه
برتری درک بصری بر دیگر زمینه‌ها در درک شهر و مکان	بصری	۱۹۶۱	گوردن کالن	۵ منظر شهر
ریخت‌شناسی ۲۷۳ الگو از مقیاس ریز تا کلان	ریخت شناسانه	۱۹۷۷	کریستوفر الکساندر	۶ یک‌زبان الگو
گونه‌بندی فضاها کالبدی شهر	ریخت شناسانه	۱۹۷۹	راب کریر	۷ فضای شهری
ریخت‌شناسی شهر بر اساس مدیریت شهری در طی دوران	ریخت شناسانه	۱۹۸۱	وایت هند	۸ چشم‌انداز شهری، توسعه و مدیریت تاریخی

معیار طراحی شهری	پنداره	سال	انگاره پرداز		
فضایی	پدید آمدن زیست‌گاه‌های نوین دارای همه کاربری‌ها در کناره شهرهای بزرگ که به آزادراه‌ها وابسته‌اند.	۱۹۹۱	جو گرو		۹ شهر لبه
زمینه‌ای	موفقیت مدیریت و حفظ شهرها در گروهی زمینه‌گرای و مردم‌مداری	۱۹۹۲	فرانسیس تیبالدز		۱۰ ساخت شهرهای مردم مدار
بصری	نما، چهارراه، خط آسمان، بام، نشانه، تندیس، اثاثیه، رنگ	۱۹۹۵	کلیف ماتین		۱۱ طراحی شهری (آذین‌ها و آرایه‌ها)
بصری	پیکر (ورودی، خط آسمان، نیمرخ، تندیس)؛ سیما (نشانه، لبه، گره، کوی)؛ چهره (فضا، نما، اثاثیه)	۱۹۹۶	منوچهر مزینی		۱۲ مطالعات کالبدی شهر تهران (از نظر بصری و زیبایی‌شناسی)
ریخت شناسانه	توجه به جنبه‌های کالبدی و عرصه عمومی شهر	۱۹۹۲ ۱۹۹۳ ۱۹۹۴	(پیتر کلتورپ، آندره دوآنی، لیزا بت پلاتر زیبرک) الیزابت پلاتر زیبرک		۱۳ کلان‌شهر پسین و به‌سوی بن‌مایه‌های شهرسازی (آندرس دوآنی، الیزابت پلاتر زیبرک) بازنگری الیزابت پلاتر زیبرک
ریخت شناسانه	نگاه نوین ساختاری و تحلیلی به فضا و تعمیم آن به علوم انسانی مرتبط	۱۹۹۶	بیل هیلیر		۱۴ فضا ماشین است: یک نظریه ساختاری معماری
فضایی	تحلیل فضایی شهر گلاسگو و در نظر گرفتن جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، محیطی و کالبدی در شکل‌گیری فضای شهری پایدار	۱۹۹۹	هیلدبرند فری		۱۵ طراحی شهر: به‌سوی یک شکل شهری پایدارتر

## معرفی نمونه موردی

شهرک شوشتر نو یکی از نمونه‌های شناخته شده در شهرسازی ایران محسوب می‌شود که توسط کامران دیبا طراحی و اجرا شده است. این شهرک در سال ۱۳۶۲ جایزه معماری آقاخان را دریافت کرد و در سال ۱۳۷۷ (۲۰۰۰م) در نمایشگاه آثار معماری و شهرسازی شاخص قرن به نمایش درآمد. در زمانی که نگاه معماران هم دوره اش به معماری مدرن و غرب معطوف بود، کامران دیبا به

ارزش‌های معماری پایدار و فرهنگ و سنت ایرانی توجه داشت. و به گفته خود به دنبال معماری انسانی بوده که در این پروژه به این امر دست یافته است. او در این پروژه سعی داشت معماری سنتی را با بهره‌گیری از تکنولوژی جدید به معماری مدرن پیوند دهد که می‌توان گفت در این امر موفق بوده و طراحی او به خوبی با فرهنگ و تاریخ و سنت گره خورده است.

موقعیت	استان خوزستان، شمال شهر شوشتر، از شرق و جنوب محدود به رودخانه شطرنج
کارفرما	شرکت خانه سازی ایران، وزارت کشاورزی، شرکت کشت و صنعت کارون
مشاور	گروه معماران، مهندسان و برنامه ریزان D.A.R.
معمار	کامران دیبا
کاربر	خانه های مسکونی شرکت کشت و صنعت کارون
تقریب	بر اساس مطالعات ۳۱۰۰۰ نفر (ظرفیت فاز یک ۴۰۰۰ نفر)
مساحت تقریبی طرح	۲۷۰ هکتار
برنامه اجرا	اجرا در ۵ فاز
زمان های اجرا	شروع مطالعات ۱۳۵۲ ش (۱۹۷۴م)، شروع فاز یک ۱۳۵۵ ش (۱۹۷۷م) تا ۱۳۵۶ ش (۱۹۷۸م)، اتمام فاز یک ۱۳۵۶ ش (۱۹۷۷م)، توقف ساخت ۱۳۵۸ ش (۱۹۷۹م)، ادامه ساخت پروژه ۱۳۶۰-۱۳۸۰ ش (۱۹۸۱-۲۰۰۰م)
اهداف ساخت	بهبود وضعیت اقتصادی شهر شوشتر، اسکان کارگران شرکت کشت و صنعت کارون، گذرشن شهر شوشتر
ارام های معماری	الگو برداری از شهرهای قدیم ایران بخصوص شوشتر مدلی بر اساس تدفین مشارک مسکونی در راستای محور اصلی شهر مشتمل بر بازار، مسجد و سایر اماکن خصوصی مطابق الگوی طراحی شهرهای اسلامی
برنامه ساخت چگونگی انکشاف	۱۳۴۵ ش (۱۹۸۶م)
تکنیک ساخت	دیوارهای آجری بار بر، تنگنازینی، سقف از شبکه تیرهای فولادی، اسام دیوار داخلی اتاق ها با آندود کج و دیوار داخلی اینزخده با آجر



در دهه ۱۹۷۰ با افزایش قیمت نفت، حجم بی‌شماری از فعالیت‌های اقتصادی در منطقه خلیج فارس و ایران شکل گرفت. شهر جدید شوشتر پروژه‌ای بود که تحت تأثیر این فرایند و برای اسکان کارگران کارخانه کشت و صنعت کارون در نظر گرفته شد. پروژه به شرکت مشاورین **daz** واگذار شد (شایان ذکر است در آن هنگام خط مشی واحدی در خصوص شهرهای جدید در ایران وجود نداشت). کامران دیبا می‌گوید: «من از نسل دوم تحصیل کردگان در غرب هستم که سوغات تحصیلشان را با خود به ایران آوردند. آنچه ما به ارمغان آوردیم، مدرنیسم بود. منظور من از مدرنیسم جنبه‌های فیزیکی آن نیست، بلکه عمدتاً جنبه‌های روانشناختی، ارزش‌های انسانی و ایده‌های حاکم بر غرب را مدنظر دارم. اما مجموعه پیش‌گفته برای آوردن اندیشه‌ها و ارزش‌های دنیای بیگانه به داخل کشور کافی نبود. دغدغه و نیاز اصلی ما عبارت بود از یادگیری از سنت‌ها و ناهنجارها و ارزش‌های فرهنگ خودمان و کشف دوباره جامعه ایرانی و ادغام اندیشه غربی با فرهنگ ملی و محلی». دیبا پروژه را به شکل ساخت و ساز افقی پرتراکم به اجرا در

آورد. از ساخت آپارتمان‌های چند طبقه پرهیز شد و شهر هویت شهرهای افقی را گرفت. آخرین کار دیبا در سالهای اقامت در ایران طرح شهرک شوشتر نو بود که سرانجام دیبا را به آرزوی دیرین طراحی شهری و شهرسازی رساند و او توانست در آن ایده‌های شهرسازی خود را، که جسته و گریخته در طرح‌های معماری اش نمود کرده بود، به اجرا درآورد. به اصرار دیبا محل احداث شهرک شوشتر نو از وسط صحرا به مجاورت شوشتر منتقل شد، چرا که می‌خواست شهرک نو به نوعی ادامه و گسترش شهر موجود باشد. برای طراحی این شهرک گروه بزرگی را سازمان داد و بر تمام جزئیات، از جمله نامگذاری معابر از قبیل شیرین و فرهاد و بلوار وصال، خود مداخله کرد. متأسفانه دیبا فرصت نیافت طرح شهرک را همان طور که می‌خواست به اتمام برساند. چرا که معتقد بود در کشورهای در حال رشد، نقش معمار با تحویل ساختمانی به اتمام نمی‌رسد و گاه روش استفاده از ساختمان هم ممکن است محتاج مداخله مستقیم معمار سازنده باشد.

جدول ۱-۳- شاخص‌ها و معیارهای پیشنهادی در طراحی محلات ایرانی-اسلامی بر پایه اصول نوشهرگرایی

شاخص‌ها	معیارها
پیوستگی فضایی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- پیوند فضایی میان عناصر اصلی مجموعه</li> <li>- داشتن مراکز و قرارگیری آن‌ها بر سر تقاطع چند گذر قرمی یا اصلی</li> <li>- ترکیب و آمزاج میدان‌ها با عناصر فعال مانند بازار، مسجد جامع و مراکز محلات</li> <li>- ایجاد ترکیبی متناسب از نظر کالبدی و فضایی میان مجموعه شهر، محلات در مرکز شهر</li> <li>- ارتباط قوی مسجدجامع با سایر عناصر مرکز شهر</li> <li>- نقش عمده گذرهای اصلی و نقش آن در پیوند دادن محلات و مناطق شهری</li> </ul>
وحدت و تنوع فضایی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تباين فضایی با پهن و باریک شدن فضا، سر باز و بسته بودن آن، تغییر مقیاس</li> <li>- وجود رواق‌ها و سایبان‌ها</li> <li>- مستقیم‌نبودن معابر از ابتدا تا انتها</li> </ul>
سلسله مراتب	<ul style="list-style-type: none"> <li>- سلسله‌مراتب دسترسی و کاهش دسترسی از پخش‌کننده محلی تا دسترسی به واحد مسکونی</li> <li>- قرارگیری هر عنصر در جای خود براساس رعایت سلسله‌مراتب عملکردی</li> <li>- رعایت محرمیت برای ساختمان‌های مسکونی</li> <li>- درونگرایی و سادگی در ابنیه‌هایی چون مسکن، مدرسه و...</li> <li>- قرارگیری کاربری عمومی در کنار استخوان‌بندی اصلی و لبه‌ها و قرارگیری کاربری مسکونی در لایه‌های میانی باقی</li> <li>- رعایت محرمیت یا سلسله‌مراتب فضاهای عمومی تا خصوصی</li> <li>- رعایت محرمیت یا استفاده از عناصری چون گنبرهای سرپوشیده، طاق‌ها و...</li> </ul>
تاکید بر روابط اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- وجود فضاهایی که ارتباط اجتماعی و تماس‌های مردم با یکدیگر در آن‌ها رخ دهد.</li> <li>- امکان استفاده یکسان افراد جامعه از فضاهای عمومی و امکانات تجاری و مذهبی</li> <li>- شهودی کاربری چندگانه‌ی زمین (منازه‌ها در طبقه همکف و واحدهای مسکونی در طبقات بالاتر)</li> <li>- قرارگیری بازارها در مرکز شهر و نفوذ منازه‌ها و بازارهای کوچکتر به نواحی مسکونی</li> <li>- احاطه شدن مسجد در مرکز شهر یا منازه‌ها</li> <li>- شکل متراکم مناطق مسکونی یا منازل به هم پیوسته و بلوک‌های کوچک</li> </ul>
اهمیت دادن به مفهوم محله	<ul style="list-style-type: none"> <li>- دارا بودن مرکز محله و قرارگیری آن در مسیر تقاطع دو یا چند گذر اصلی</li> <li>- فاصله‌ی معقول مرکز محله از همه‌ی نقاط محله</li> <li>- مرکز محله شامل مسجد، بازارچه، میدانچه، تکیه، حسینیه و عناصر دیگری در مقیاس محلات مانند گرمابه، آب‌انبار، قهوه‌خانه و...</li> <li>- وجود پاتوق در محلات</li> <li>- دربرگیری مراکز محله با امکان عمومی و قرارگیری سطوح مسکونی خانواده‌ها یا حجره‌های پیوسته گرداگرد آن‌ها</li> <li>- قرارگیری خانه‌های کوچک و متوسط و بزرگ در کنار یکدیگر</li> <li>- قرارگیری خانه‌های بزرگی مانند فضاهای شهری از قبیل مساجد، حسینیه‌ها در کنار خانه‌های کوچکتر یعنی فضاهای مسکونی</li> </ul>

### کیفیت فضای شهری در شوشتر نو

عموماً اینگونه می‌پندارند که در طراحی یک شهر یا شهرک مکان‌های زیستی از ساختمانها، پارکینگها، خودروها، ... مهم‌ترند. در دهه‌های گذشته در دوران مدرنیسم در سراسر دنیا اکثر فعالیت‌های مربوط به طراحی و ساخت مکان‌های زیستی در قالب شهرک، معطوف به ساخت عناصر منفرد یعنی ساختمانها بوده است. طراحان معمولاً به مجموعه‌ای از ساختمانها می‌اندیشند که مسیرهای عبور و مرور ما بین آنها شکل می‌گیرد. مجموعه‌ای از عناصر مجزا که کل منسجم و واحدی را تشکیل نمی‌دهد. در حالیکه امروزه نظریه‌های شهرسازی تغییر کرده و توجه بیش از حد به عناصر منفرد را کنار گذاشته‌اند و به کل واحد می‌اندیشند. مبانی طراحی شوشتر نو به عنوان یک شهر معاصر از این تفکر بهره برده است. در حقیقت هدف اصلی طراح، تعریف عناصر و فضاهای معماری در انسجام با فضاهای عمومی (میادین) و شبکه‌های دسترسی عمومی است. منازل مسکونی در قالب واحدهای همسایگی تعریف شده‌اند و میادین و معابر به تفکیک استفاده کننده (پیاده یا سواره) با پوشش‌های گیاهی، ساباط‌ها، کفسازی‌های خاص و اسامی ویژه هویت‌گذاری شده‌اند. حتی به منظور ایجاد حس وحدت نماهای شهری نیز منسجم و یکپارچه با مصالح محدود به آجر و سیمان ساخته شده تا ادراک مخاطب نسبت به فضاهای اطراف بهتر صورت گیرد. انسجام و وحدت مجموعه به نوعی در کیفیت ادراک فضاهای شهری تأثیرگذار است و رابطه‌ای خاص و هماهنگ ما بین اجزا برقرار می‌کند و وحدت با توجه به کثرت تصور و کثرت با هدف غائی وحدت دو مفهوم مکمل یکدیگرند که هم در طراحی ساختار فضاهای شهری و هم در طراحی نماها بخوبی به آن توجه شده است. بگونه‌ای که بطور ناخودآگاه تمامی اجزا مجموعه در ذهن هر شهروندی، در یک کل واحد متصور می‌شود. بدین ترتیب مکان‌هایی خلق می‌شود که ارزش فضایی آنها از پاسخ‌گویی به عملکرد مهمتر است. در واقع طراح به بهانه خلق فضای شهری مطلوب از عملکردها بهره می‌گیرد چرا که کیفیت‌های فضایی از ابعاد کمی فضاها مهمترند.

### پیامدهای ظهور تکنولوژی

اغلب شهرها و محیط‌های سنتی و قدیمی ایران دارای بافت متراکم و فشرده‌ای هستند که بلوکهای ساختمانی

طرح کلی آن را بوجود آورده‌اند و فضاهای باز در میان آنها پراکنده‌اند. ولی بیشتر شهرها در پی تحولات قرن بیستم و حضور ماشین و احداث خیابانهای عریض جهت عبور و مرور، الگوی سنتی خیابانهایشان را از دست داده و جای آن را به اتوبانها و ماشینها داده‌اند. طراح شوشتر نو در طراحی ساختار شهرک از شهرهای قدیم منطقه یعنی شوشتر و دزفول الگو گرفته است. چنانچه شبکه‌های عبور ماشین و پیاده مجزا طراحی شده و فضاهای عمومی با توجه به مقیاس فعالیت‌های انسانی تعریف شده‌اند. هرچند که طراحی این شهرک در زمان معاصر صورت گرفته و متناسب با نیازهای امروز بشر متمدن می‌باشد و با توجه به تکنولوژی حمل و نقل صورت پذیرفته است، اما باز هم شاهد تغییراتی مشابه تغییرات قرن بیستم در این محیط زیستی ارزشمند هستیم. بسیاری از معابر عبور پیاده به علت عبور ماشین آسیب دیده، کفسازی‌ها تخریب شده و برخی قسمت‌ها آسفالت شده‌اند، برخی از مسیرهای عبور مسدود شده‌اند تا پارکینگ‌های شخصی احداث شود. آنچنان با ارزش و قابل احترام با ماشین رفتار می‌شود که گویی حضور و وجود آدم با تمام نیازهای کیفی و کمی به زیر سوال رفته است. آنچه در اولویت قرار دارد ماشین و مکان پارک آن است. آنقدر این وسیله تأثیرگذار وارد زندگی مردم شده است که آنان وجود پارکینگ‌های شخصی را بر داشتن محیط‌های باز عمومی ترجیح می‌دهند. در شهرک شوشتر نو فضاهای شهری با هویت بومی منطقه، تعریف و ساخته شده‌اند و تعلق خاطر در مردم بوجود می‌آورند که موجب می‌شود هر فرد خود را وابسته به آن مکان احساس کند چرا که مردم به فضاهای شهری هویت دار نیاز دارند. ادراک افراد مختلف از یک مکان متفاوت است اما برقراری ارتباط حسی با هویت فضا امری اجتناب‌ناپذیر است که بصورت کاملاً طبیعی و تا خودآگاه صورت می‌پذیرد. آنچه که امروز با آن مواجهیم تغییرات بسیار و دخل و تصرف‌های ساکنین است که برخی ناشی از فرسودگی هاست و برخی دیگر حاصل نیازهای جدید امروز است، تغییراتی که باعث بحران هویت فضاهای شهری شده و انسجام و وحدت مجموعه را از بین برده، معنای حضور انسان با مفهوم عابر را به زیر سوال برده و عرصه‌های عمومی را به فضاهای باز بلا استفاده تبدیل نموده است.

تصویر ۱. مجموعه شوستر نو؛ ماخذ: آرشبو نگارندگان.



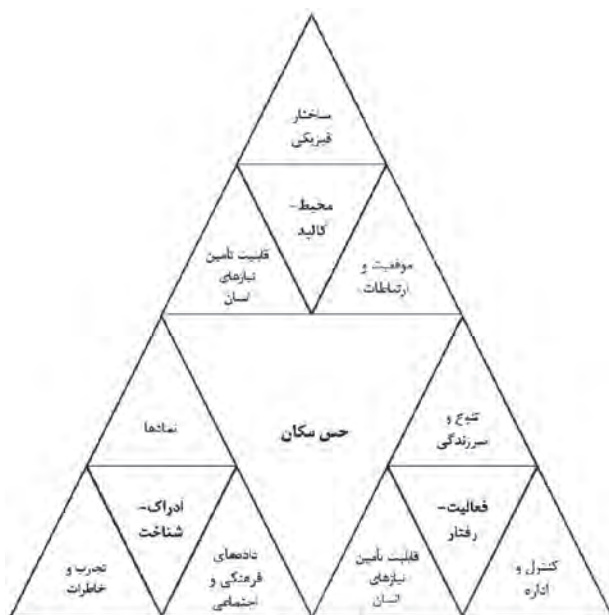
### نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

آنچه یک فضا را به یک مکان ارتقاء می‌دهد آمیخته‌شدن آن با معانی و مفاهیم عمیق است که در طول زمان گسترش و ژرفا پیدا می‌کند. پس مکان حاصل معانی است که در طول زمان و با ادراک محیط به دست می‌آید. البته باید گفت شکل‌گیری معنای ناشی از ادراک انسانی در بستر زمان، مساله‌ای است که عمدتاً به بعد ناآگاهانه و ادراکی در لایه‌های خاموش تجربه افراد دلالت دارد و در روان‌شناسی از آن به وابستگی و حس تعلق تعبیر می‌شود که حسی توأم با عاطفه در مکان است. مکان در این صورت ریشه‌دار تجربه می‌شود و لایه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد. مکان دربرگیرنده لایه‌های اجتماعی و فیزیکی محیط است، اما حس تعلق، لایه‌های ادراک، مفاهیم و تجربیات مکان را شرح می‌دهد. فعالیتها و شکل کالبدی موجود در مکان بر حس وابستگی افراد تاثیر می‌گذارد، از سوی دیگر ارتباطات فرهنگی و اجتماعی، خاطرات و مفاهیم شخصی نیز بر وابستگی و احساس تعلق به مکان موثر است. تعلق مکانی رابطه هم‌پیوندی بین انسان و محیط است. حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌گردد. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد. برداشت کلی حاصل از تعاریف حس مکان نشان می‌دهد که حس مکان حاصل ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی او و ویژگی‌های محیطی است. این مفهوم

از یک سو ریشه در تجربه‌های ذهنی همچون خاطره، سنت، تاریخ، فرهنگ، اجتماع و غیره دارد و از سوی دیگر متأثر از زمینه‌هایی عینی و بیرونی در محیط مانند طرح، منظره، بو و صدا است که نشان می‌دهد. حس مکان مفهومی پیچیده از احساسات و دلبستگی انسان نسبت به محیط است که در اثر انطباق و استفاده انسان از مکان به وجود می‌آید، علاوه بر این چگونگی ارتباط و تجارب قبلی نیز در حس مکان مؤثرند. عوامل دیگری چون چگونگی انتخاب و رابطه با مکان و ویژگی‌های فردی و اجتماعی استفاده‌کنندگان نیز از عوامل تأثیر گذار بر حس مکان هستند. عوامل مؤثر بر حس مکان را می‌توان با مدل فوق نشان داد. براساس این مدل، ویژگی‌های کالبدی مکان با تأثیر گذاری بر فعالیتها و تعاملات اجتماعی و غنی‌سازی معانی و مفاهیم مکان بر حس مکان استفاده‌کنندگان اثر گذاشته و این اثر برای درک شدن، به زمینه ای فرهنگی اجتماعی نیاز دارد. تاثیرپذیری از الگوی معماری سنتی ایران، شکل‌پذیری از محدودیت‌های اقلیمی، بهره‌گیری از ویژگی‌های فنی- بومی منطقه خوزستان، مبانی طراحی شهری و الگوهای سکونتی را شکل داد. استفاده از الگوهای بومی در طراحی بافت شهری، معماری مسکونی، موتیوهای معماری و تکنیک‌های اقلیمی از ویژگی‌هایی است که طراح بخوبی به آن پرداخته است. بررسی ویژگی‌های این طرح، عامل اشراف به غنای ارزشهای این شهرک می‌باشد، چرا که اکنون در زمانه ای به سر می‌بریم که شناخت چنین مجموعه‌هایی به غنای مبانی معماری و شهرسازی ما می‌افزاید. فقدان مدیریت شهری و تطبیق ندادن برنامه‌ها با شرایط و احتیاجات روز و شاید عدم توجه به علاقه مسئولین، این شهرک را

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۵۰ بهار ۱۳۹۷  
No.50 Spring 2018



ناموفق ساخته است و عملاً آن را تا به امروز به صورت یک پروژه ناکام و بلا تکلیف باقی گذارده است. اصول طراحی و شهرسازی شوشتر نو طرحی است درون گرا و با تراکم زیاد افقی و بر خلاف طرح‌های معمول آن دوره فاقد ساختمان‌های عمودی می‌باشد. حرکت پیاده و وسایل حمل و نقل تا حد ممکن از یکدیگر مستقل است و شریان اصلی و فعالیت شهری همانند شهرها سنتی توسط شبکه پیاده انجام می‌شود. همجواری شهر تاریخی شوشتر با این پروژه موجب گردید که طراح از این پتانسیل تاثیر پذیرد و با توجه به ایده اصلی شکل‌گیری مبنی بر طرح توسعه شهر شوشتر، الگوی شهرهای بومی منطقه همچون شوشتر و دزفول را مورد مطالعه قرار دهد.

### توصیه‌ها و پیشنهادات

۱. با توجه به مشکلات موجود و به منظور جلوگیری از تغییر و تحولات احتمالی دیگر در سالهای آتی پیشنهاد می‌شود که بر اساس توصیه‌های ذیل در نگهداری این شهر زیبا و ارزشمند و این اثر یگانه معماری کوشا باشیم:
۲. ایجاد مدیریت واحد در شهرک با وظایف یک شهردار
۳. توجه به نیازهای امروز و تغییر و تحولات در جهت رفع آنها
۴. ساخت و ساز جدید متناسب با نیازهای ساکنین

همانند احداث پارکینگ و مراکز تجاری

۵. ساماندهی معابر عمومی صرفاً جهت حضور عابر
۶. توجه به عصر تکنولوژی و وجود خودروهای شخصی و مکان یابی درست آنها در بافت شهرک
۷. تعهد قوی و دلسوزانه مسوولان در جهت حفظ و نگهداری کیفیت محیط شهری
۸. تبیین قوانین اصولی برای شهروندان در جهت حفظ محیط شهری و احترام به حقوق سایرین

### منابع و مآخذ

۱. امین زاده، بهناز (۱۳۸۹) ارزیابی زیبایی و هویت مکان، نشریه هویت شهر، شماره ۷، صص ۱۴-۳.
۲. پرتوی، پروین (۱۳۸۸) پدیدارشناسی مکان، فرهنگستان هنر، تهران.
۳. پرتوی، پروین، (۱۳۸۸) پدیدارشناسی مکان، نشر فرهنگستان هنر، تهران.
۴. پورمند، حسنعلی؛ محمودی نژاد، هادی و رنج آزمای آذری، محمد (۱۳۸۹). «مفهوم مکان و تصویر ذهنی. مراتب آن در شهرسازی از دیدگاه کریستسن نوربری شولتز در رویکرد پدیدارشناسی». مدیریت شهری، ش ۲۶: ۹۲-۷۹.
۵. تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳) شهرسازی شهروندگرا، احمدی نژاد، محمد، نشر خاک.
۶. جباری (۱۳۷۹)، حس مکان، کتاب ماه تاریخ و



- جغرافیا، شماره ۳۱
۷. جولایی، سیامک (۱۳۸۵) مجتمع مسکونی شوستر نو، شارستان ۱۱ و ۱۲.
۸. حبیبی، رعناسادات (۱۳۸۷)، تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵
۹. حبیبی، سید محسن (۱۳۸۲). «چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان‌بندی محله». هنرهای زیبا، ش ۱۳: ۳۹-۳۲.
۱۰. حبیبی، سید محسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۶) مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطع‌نامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، تهران.
۱۱. حبیبی، سیدمحسن (۱۳۷۸)، فضای شهری، حیات واقعه‌ای و خاطره جمعی، نشریه صفا، شماره ۲۸، صص ۲۱-۱۶
۱۲. حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۰)، از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
۱۳. دانش پایه، نثار و دیگران (۱۳۹۵) تدوین شاخصهای کالبدی موثر بر حس مکان، مدیریت شهری، شماره ۴۷.
۱۴. دانشپور، سید عبدالهادی، سپهری مقدم، منصور، چرخچیان، مریم (۱۳۸۸)، تبیین مدل دلستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۸، صص ۳۷-۴۸.
۱۵. دیبا، کامران (۱۳۸۵) معماری اسلامی چه چیزی نیست؟، شارستان ۱۲ و ۱۱.
۱۶. شایان، حمید رضا (۱۳۷۵) شوستر نو تداوم فرهنگ در کالبد امروز، معماری و فرهنگ.
۱۷. شولتس، نوربرت (۱۳۸۰) مسکن حومه و شهر، پوردیهیمی، شهرام، انتشارات روزنه.
۱۸. فلاحت، محمد صادق، سال (۱۳۸۵) مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، هنرهای زیبا.
۱۹. فلامکی، محمدمنصور (۱۳۸۷)، نظریه‌ای بر منشور مرمت شهری، نشر مرکز تحقیقات مطالعات مسکن و شهرسازی.
۲۰. کاشی، حسین، بنیادی، ناصر (۱۳۹۲) تبیین مدل هویت مکان و بررسی عناصر و ابعاد آن، نشریه هنرهای زیبا: ۵۲-۴۳
۲۱. مدنی پور، علی (۱۳۸۷). «طراحی فضای شهری نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی». ترجمه‌ی فرهاد مرتضایی (چاپ سوم). تهران: سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۲۲. مدیری، آتوسا (۱۳۸۷). «مکان». هویت شهر، ش ۷: ۷۹-۶۹.
۲۳. مرصوصی، نفیسه (۱۳۹۰)، تحلیل کارکردهای اقتصادی بازار تبریز و حوزه نفوذ آن، شماره ۷، پژوهشهای جغرافیای انسانی
۲۴. میرغلامی مرتضی (۱۳۷۸) مدل مفهومی ارزیابی حس مکان براساس مولفه‌های کالبدی، ادراکی، عملکردی و اجتماعی. نشریه مطالعات شهری، شماره نوزدهم.
25. APPLEYARD, D; (1979) The Environment as a Social Symbol: Within a Theory of Environmental Action and Perception; Journal of the American Planning Association,(45): 143-153.
26. Moudon, Ann, Carmona, Mathew(2003), A catholic approach to organizing what urban designer should know, Black well Publishing, Australasia.
27. Knox, P & .Pinch, S. (2000) Urban Social Geography: An Introduction, prentice Hall: Harlow, 8-9.
28. Altman, I., S. Low, (1992), Place Attachment Springer US, Plenum Press: New York, pp 1-12.
29. Falamaki, Mohammad-Mansour (2008), Theory on the Charter of Urban Restoration, Publication of the Research Center for Housing and Urban Studies.
30. Habibi, S.M. (2000). Civil Society and Urban Life. HONAR-HA-YE-ZIBA, 7
31. Hague, C. (2005). Planning and Place Identity, In: Place Identity, Participation and Planning, Cliff Hague and Paul Jenkins (Eds), London: Routledge.
32. Lang, jon (1994), urban design, the American experience, van no standard reinhold, new York, p:29
33. Pastalan, leon (1970), privacy as an expression of human territoriality, university of Michigan, p:88
34. Shamais(1991), sense of place an empirical measurement, geoforum, no.3, pp 347-358
35. Stringer, Peter (1975) Understanding the city , in Environmental interaction, ed: David Canter, Surrey university, England
36. Tschumi, Bernard (1994) spaces and events, the city cultures reader ed: Malcolm Miles, Tim Hall, London and new york, Routledge, p: 154



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی